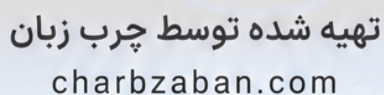


همراه با تلفظ، ترجمه و مثال کاربردی



راهنمای استفاده

این مجموعه برای زبان‌آموزانی طراحی شده است که از مرحله واژگان پایه عبور کرده‌اند و می‌خواهند درک مطلب، نوشتار و گفتار خود را به سطح متوسط رو به بالا و پیشرفته نزدیک کنند. انتخاب واژه‌ها بر اساس موضوعات رایج در آزمون TOPIK II، متن‌های دانشگاهی و گفت‌وگوهای رسمی انجام شده است.

در هر مدخل، ابتدا واژه کره‌ای، سپس رومن‌نویسی تقریبی، معنی فارسی، جمله نمونه، رومن‌نویسی جمله و ترجمه آمده است. رومن‌نویسی فقط راهنمای اولیه است؛ تلفظ واقعی کره‌ای به پیوند هجاها، همخوان پایانی و آهنگ جمله وابسته است. بنابراین جمله‌ها را با صدای بلند بخوانید و به تدریج به هانگول تکیه کنید.

روش پیشنهادی مطالعه

هر روز یک صفحه را بخوانید، واژه‌ها را در دو جمله شخصی به کار ببرید و پس از ۲۴ ساعت، بدون نگاه کردن به ترجمه، جمله‌ها را بازسازی کنید.

۱. جامعه و روابط انسانی

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

관계

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گوَن گیِه

۳. ترجمه واژه

رابطه، ارتباط

۴. جمله مثال

.좋은 인간관계를 유지하려면 서로 존중해야 합니다

۱. واژه

존중하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جُنْجُونْگَهْدَ

۳. ترجمه واژه

احترام گذاشتن

۴. جمله مثال

.상대방의 의견을 존중하는 태도가 필요합니다

۱. جامعه و روابط انسانی

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

배려하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

با ریّاهَد

۳. ترجمه واژه

ملاحظه کردن، مراعات کردن

۴. جمله مثال

.작은 배려가 상대방에게 큰 힘이 될 수 있습니다

۱. واژه

갈등

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

گلدأنگ

۳. ترجمه واژه

تعارض، کشمکش

۴. جمله مثال

.갈등이 생겼을 때는 감정보다 대화가 먼저입니다

۱. جامعه و روابط انسانی

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

타협하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

تهیأید

۳. ترجمه واژه

مصالحه کردن

۴. جمله مثال

서로 한 걸음씩 양보하면 타협점을 찾을 수 있습니다.

۱. واژه

신뢰

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

سینرو

۳. ترجمه واژه

اعتماد

۴. جمله مثال

신뢰는 오랜 시간 동안 행동으로 쌓입니다.

۲. آموزش و یادگیری

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

습득하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

سأیدأکهدَ

۳. ترجمه واژه

فراگرفتن، کسب کردن

۴. جمله مثال

새로운 기술을 습득하려면 꾸준한 연습이 필요합니다.

۱. واژه

이해하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

یهاهدَ

۳. ترجمه واژه

درک کردن

۴. جمله مثال

문맥을 이해하면 단어의 의미가 더 분명해집니다.

۲. آموزش و یادگیری

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

응용하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

اُنْگِیْنْگَهْدَ

۳. ترجمه واژه

به کار بردن، تطبیق دادن

۴. جمله مثال

.배운 표현을 실제 대화에 응용해 보세요

۱. واژه

집중력

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جِیِیْجُونْگِیْیَاک

۳. ترجمه واژه

تمرکز

۴. جمله مثال

.짧은 시간이라도 집중력을 유지하는 훈련이 중요합니다

۲. آموزش و یادگیری

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

비판적

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

بیپنجاک

۳. ترجمه واژه

انتقادی

۴. جمله مثال

.비판적으로 읽으면 글의 숨은 전제를 발견할 수 있습니다

۱. واژه

정리하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جانگنیهد

۳. ترجمه واژه

سامان دادن، جمع بندی کردن

۴. جمله مثال

.수업이 끝난 뒤 배운 내용을 간단히 정리했습니다

۳. کار و اقتصاد

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

성과

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

سأنگگو

۳. ترجمه واژه

دست‌آورد، نتیجه

۴. جمله مثال

.이번 프로젝트는 기대 이상의 성과를 거두었습니다

۱. واژه

효율성

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

هیئلسانگ

۳. ترجمه واژه

کارایی

۴. جمله مثال

.업무의 효율성을 높이기 위해 절차를 단순화했습니다

۳. کار و اقتصاد

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

부담

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

بودَم

۳. ترجمه واژه

بار، فشار، هزینه

۴. جمله مثال

높은 물가는 서민들에게 큰 부담이 됩니다.

۱. واژه

투자하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

توجَهَد

۳. ترجمه واژه

سرمایه گذاری کردن

۴. جمله مثال

기업은 연구 개발에 지속적으로 투자해야 합니다.

۳. کار و اقتصاد

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

고용

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

گُیَنگ

۳. ترجمه واژه

اشتغال، استخدام

۴. جمله مثال

.청년 고용을 확대하는 정책이 필요합니다

۱. واژه

협업

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

هیابآپ

۳. ترجمه واژه

همکاری تیمی

۴. جمله مثال

.부서 간 협업이 원활해야 일정에 맞출 수 있습니다

۲. فناوری و رسانه

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

인공지능

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

ینگنجینانگ

۳. ترجمه واژه

هوش مصنوعی

۴. جمله مثال

인공지능은 다양한 산업의 업무 방식을 바꾸고 있습니다.

۱. واژه

개인정보

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گاینجانگب

۳. ترجمه واژه

اطلاعات شخصی

۴. جمله مثال

온라인에서 개인정보를 함부로 공개하면 안 됩니다.

۲. فناوری و رسانه

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

접근성

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جایگانسانگ

۳. ترجمه واژه

دسترس پذیری

۴. جمله مثال

.이 앱은 장애인을 위한 접근성을 고려해 설계되었습니다

۱. واژه

확산되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

هوگسندود

۳. ترجمه واژه

گسترش یافتن

۴. جمله مثال

.짧은 영상 콘텐츠가 전 세계적으로 빠르게 확산되고 있습니다

۲. فناوری و رسانه

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

왜곡하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

وَإِكْهَدَ

۳. ترجمه واژه

تحریف کردن

۴. جمله مثال

.통계 수치를 왜곡하면 올바른 판단을 내릴 수 없습니다

۱. واژه

보도하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

بُدْهَدَ

۳. ترجمه واژه

گزارش کردن، پوشش خبری دادن

۴. جمله مثال

.언론은 사건의 경과를 신속하게 보도했습니다

۵. محیط‌زیست و جامعه

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

지속 가능하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

جیسُک گَنانگَهَد

۳. ترجمه واژه

پایدار بودن

۴. جمله مثال

.지속 가능한 소비 습관을 생활화해야 합니다

۱. واژه

오염

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

یُام

۳. ترجمه واژه

آلودگی

۴. جمله مثال

.대기 오염을 줄이려면 대중교통 이용을 늘려야 합니다

۵. محیط زیست و جامعه

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

자원

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جَوْن

۳. ترجمه واژه

منبع، منابع طبیعی

۴. جمله مثال

.한정된 자원을 효율적으로 활용하는 지혜가 필요합니다

۱. واژه

보존하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

بُجْنَهْدَ

۳. ترجمه واژه

حفظ و نگهداری کردن

۴. جمله مثال

.문화유산을 미래 세대에 물려주려면 잘 보존해야 합니다

۵. محیط‌زیست و جامعه

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

기후 변화

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

گیهو بی‌آنهوَ

۳. ترجمه واژه

تغییر اقلیم

۴. جمله مثال

.기후 변화는 더 이상 먼 미래의 문제가 아닙니다

۱. واژه

재활용하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

جَاهَوْلِیْنِگَهْدَ

۳. ترجمه واژه

بازیافت کردن

۴. جمله مثال

.사용한 용기를 깨끗이 씻어 재활용합니다

۶. احساسات و شخصیت

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

당황하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

دَنگِه‌وَنگَهَدَ

۳. ترجمه واژه

دستپاچه شدن

۴. جمله مثال

.예상치 못한 질문을 받아서 잠시 당황했습니다

۱. واژه

뿌듯하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

پوداُتَهَدَ

۳. ترجمه واژه

احساس غرور و رضایت داشتن

۴. جمله مثال

.어려운 일을 끝까지 해내서 뿌듯했습니다

۶. احساسات و شخصیت

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

무관심하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

موگوَنسیمهَدَ

۳. ترجمه واژه

بی تفاوت بودن

۴. جمله مثال

.사회 문제에 무관심한 태도는 바람직하지 않습니다

۱. واژه

신중하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

سینجونگهَدَ

۳. ترجمه واژه

محتاط و سنجیده بودن

۴. جمله مثال

.중요한 계약일수록 신중하게 검토해야 합니다

۶. احساسات و شخصیت

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

솔직하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

سُلجِیکَهَدَ

۳. ترجمه واژه

صادق و صریح بودن

۴. جمله مثال

.서로 솔직하게 이야기하면 오해를 줄일 수 있습니다

۱. واژه

지치다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

جِی‌چِیدَ

۳. ترجمه واژه

خسته و فرسوده شدن

۴. جمله مثال

.계속되는 야근으로 직원들이 많이 지칩니다

۴. سیاست و قانون

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

정책

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جانگچاک

۳. ترجمه واژه

سیاست، خط‌مشی

۴. جمله مثال

새로운 정책의 효과를 장기적으로 평가해야 합니다.

۱. واژه

권리

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گواللی

۳. ترجمه واژه

حق

۴. جمله مثال

모든 시민은 교육받을 권리를 가집니다.

۴. سیاست و قانون

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

의무

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

ویمو

۳. ترجمه واژه

وظیفه، الزام

۴. جمله مثال

권리와 함께 사회적 의무도 생각해야 합니다.

۱. واژه

규제

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گیج

۳. ترجمه واژه

مقررات، تنظیم‌گری

۴. جمله مثال

과도한 규제는 혁신을 늦출 수 있습니다.

۴. سیاست و قانون

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

공정성

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گُنْجَا نْگَسَانْگ

۳. ترجمه واژه

عدالت، انصاف

۴. جمله مثال

.채용 과정의 공정성을 확보하는 것이 중요합니다

۱. واژه

합의하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

هَبْوِیَهْدَ

۳. ترجمه واژه

به توافق رسیدن

۴. جمله مثال

.양측은 긴 논의 끝에 합의했습니다

۸. فرهنگ و هنر

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

창의성

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

چَنگ وِیسَانگ

۳. ترجمه واژه

خلاقیت

۴. جمله مثال

.예술 교육은 학생들의 창의성을 키워 줍니다

۱. واژه

전통

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

جَانثَنگ

۳. ترجمه واژه

سنت

۴. جمله مثال

.전통을 지키면서도 새로운 방식으로 발전시킬 수 있습니다

۸. فرهنگ و هنر

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

독창적

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

دُکچَنگجَاک

۳. ترجمه واژه

ابتکاری، بدیع

۴. جمله مثال

.그 작가는 독창적인 표현 방식으로 주목받았습니다

۱. واژه

감상하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گَمسَنگَهَد

۳. ترجمه واژه

از هنر لذت بردن، تماشا کردن

۴. جمله مثال

.주말에는 전시회를 감상하며 여유를 즐겼습니다

۸. فرهنگ و هنر

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

상징하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

سَنگجینگَهَدَ

۳. ترجمه واژه

نماد بودن

۴. جمله مثال

.비둘기는 평화를 상징하는 새로 알려져 있습니다

۱. واژه

영감을 주다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

یاَنگگَمَال جودَ

۳. ترجمه واژه

الهام بخشیدن

۴. جمله مثال

.그 풍경은 새로운 작품을 만들 영감을 주었습니다

۹. سلامت و سبک زندگی

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

면역력

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

می‌آنی‌اکریاک

۳. ترجمه واژه

توان ایمنی بدن

۴. جمله مثال

.충분한 수면은 면역력을 높이는 데 도움이 됩니다

۱. واژه

만성적

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

من‌سانگجاک

۳. ترجمه واژه

مزمن

۴. جمله مثال

.만성적인 피로가 계속되면 전문가와 상담해야 합니다

۹. سلامت و سبک زندگی

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

회복하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

هوُبُکَهْدَ

۳. ترجمه واژه

بهبود یافتن، بازیابی کردن

۴. جمله مثال

.충분히 쉬어야 몸이 빠르게 회복합니다

۱. واژه

예방하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

یهِبَنگَهْدَ

۳. ترجمه واژه

پیشگیری کردن

۴. جمله مثال

.규칙적인 운동으로 질병을 예방할 수 있습니다

۹. سلامت و سبک زندگی

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

균형 잡히다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گَیْنِهیاَنگ جَیْهیدَ

۳. ترجمه واژه

متعادل بودن

۴. جمله مثال

균형 잡힌 식단을 유지하려고 노력합니다

۱. واژه

스트레스 해소

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

سَأتَاړسَا هَاُسْ

۳. ترجمه واژه

رفع استرس

۴. جمله مثال

취미 생활은 스트레스 해소에 큰 도움이 됩니다

۱۰. استدلال و ارتباط پیشرفته

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

근거

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گانگأ

۳. ترجمه واژه

مبنای استدلال، مدرک

۴. جمله مثال

주장을 뒷받침할 객관적인 근거가 필요합니다

۱. واژه

전제

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جانچ

۳. ترجمه واژه

پیش فرض

۴. جمله مثال

논리적으로 말하려면 전제를 먼저 분명히 해야 합니다

۱۰. استدلال و ارتباط پیشرفته

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

반박하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

بَنْبَکْهَدَ

۳. ترجمه واژه

رد کردن، پاسخ نقضی دادن

۴. جمله مثال

상대방의 의견을 감정적으로 반박하지 마세요.

۱. واژه

설득력

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

سَالْدَاَنگِنْيَاک

۳. ترجمه واژه

قدرت اقناع

۴. جمله مثال

구체적인 사례를 들면 설명의 설득력이 높아집니다.

۱۰. استدلال و ارتباط پیشرفته

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

맥락

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

مانگنک

۳. ترجمه واژه

بافت، زمینه

۴. جمله مثال

.같은 표현도 맥락에 따라 의미가 달라질 수 있습니다

۱. واژه

요약하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

یُیکَهْدَ

۳. ترجمه واژه

خلاصه کردن

۴. جمله مثال

.긴 보고서를 핵심 내용 중심으로 요약했습니다

۱۱. افعال و صفت‌های سطح بالا

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

간과하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

گونگوهد

۳. ترجمه واژه

نادیده گرفتن

۴. جمله مثال

작은 위험을 간과하면 큰 문제로 이어질 수 있습니다.

۱. واژه

촉진하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

چکجینه

۳. ترجمه واژه

تسهیل و تقویت کردن

۴. جمله مثال

정부는 지역 경제의 성장을 촉진해야 합니다.

۱۱. افعال و صفت‌های سطح بالا

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

억제하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

اُکْجَهَدَ

۳. ترجمه واژه

مهار کردن

۴. جمله مثال

.물가 상승을 억제하기 위한 대책이 발표되었습니다

۱. واژه

비롯되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

بیرُندُودَ

۳. ترجمه واژه

ناشی شدن، آغاز شدن

۴. جمله مثال

.이 문제는 작은 오해에서 비롯되었습니다

۱۱. افعال و صفت‌های سطح بالا

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

두드러지다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

دودأرأجیدَ

۳. ترجمه واژه

برجسته بودن

۴. جمله مثال

.이번 조사에서 세대 간 차이가 두드러졌습니다

۱. واژه

불가피하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه‌گذاری

بولگی‌هَد

۳. ترجمه واژه

اجتناب‌ناپذیر بودن

۴. جمله مثال

.상황에 따라 일정 변경이 불가피할 수 있습니다

۱۲. واژگان دانشگاهی و TOPIK

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

현상

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

هیآنسَنگ

۳. ترجمه واژه

پدیده

۴. جمله مثال

.이러한 현상은 여러 나라에서 동시에 나타났습니다

۱. واژه

경향

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گیآنگهینگ

۳. ترجمه واژه

گرایش، روند

۴. جمله مثال

.최근에는 재택근무를 선호하는 경향이 강해졌습니다

۱۲. واژگان دانشگاهی و TOPIK

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

영향을 미치다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

یاَنگهَیَنگْ اَل میچیدْ

۳. ترجمه واژه

تأثیر گذاشتن

۴. جمله مثال

교육 수준은 사회 발전에 큰 영향을 미칩니다.

۱. واژه

대안

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

دِ اَن

۳. ترجمه واژه

راهکار جایگزین

۴. جمله مثال

문제를 해결하려면 현실적인 대안을 마련해야 합니다.

۱۲. واژگان دانشگاهی و TOPIK

هر مدخل را با صدای بلند تکرار کنید.

۱. واژه

결과적으로

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گیالگو جاگاز

۳. ترجمه واژه

در نتیجه

۴. جمله مثال

.결과적으로 모든 참가자가 목표를 달성했습니다

۱. واژه

반면에

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

بنمیان

۳. ترجمه واژه

در مقابل، از سوی دیگر

۴. جمله مثال

.온라인 수업은 편리한 반면에 집중하기 어려울 수 있습니다

منابع و یادداشت پایانی

این جزوه با نگارش آموزشی مستقل تهیه شده است. برای سطح‌بندی واژه‌ها، تشخیص حوزه‌های کاربرد و بررسی نکات تلفظی از منابع زیر استفاده شده است. جمله‌های نمونه و ترجمه‌های فارسی برای این جزوه بازنویسی و تنظیم شده‌اند.

TOPIK Guide — 50 Korean Synonyms for Intermediate & Advanced Learners	1
KoreanClass101 — 400+ Essential Intermediate Korean Words	2
How to Study Korean — Korean Pronunciation	3
National Institute of Korean Language — Korean-English Learners' Dictionary	4

۱. [/topikguide.com/50-korean-synonyms](http://topikguide.com/50-korean-synonyms)

۲. [/koreanclass101.com/blog/2021/12/03/korean-intermediate-words](http://koreanclass101.com/blog/2021/12/03/korean-intermediate-words)

۳. [/howtostudykorean.com/unit0/197-2](http://howtostudykorean.com/unit0/197-2)

۴. [/krdict.korean.go.kr/m/eng/help](http://krdict.korean.go.kr/m/eng/help)

برای مطالعه منابع بیشتر

[/https://charbzaban.com](https://charbzaban.com)

این PDF برای استفاده شخصی و آموزشی تهیه شده است.

صفحه فلش کارت 01

۱. واژه

부각되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

بُوگاگدُوِدا

۳. ترجمه واژه

برجسته شدن؛ بیشتر مورد توجه قرار گرفتن

۴. جمله مثال

최근 환경 문제가 사회적 쟁점으로 부각되고 있습니다.

ترجمه جمله: در سال‌های اخیر، مسئله محیط‌زیست به‌عنوان یک موضوع اجتماعی برجسته شده است.

۱. واژه

도출하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

دُوچول‌ها‌دا

۳. ترجمه واژه

استخراج کردن؛ به نتیجه رسیدن

۴. جمله مثال

자료를 분석한 뒤 합리적인 결론을 도출했습니다.

ترجمه جمله: پس از تحلیل داده‌ها، به یک نتیجه منطقی رسیدیم.

۱. واژه

수반하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

سُوْبان‌ها‌دا

۳. ترجمه واژه

به همراه داشتن؛ مستلزم بودن

۴. جمله مثال

급격한 변화는 예상하지 못한 위험을 수반할 수 있습니다.

ترجمه جمله: تغییرات سریع ممکن است خطرهای پیش‌بینی نشده به همراه داشته باشد.

۱. واژه

취약하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چُوْیاک‌ها‌دا

۳. ترجمه واژه

آسیب‌پذیر بودن

۴. جمله مثال

이 지역은 홍수에 특히 취약합니다.

ترجمه جمله: این منطقه در برابر سیل، به‌ویژه آسیب‌پذیر است.

صفحه فلش کارت 02

۱. واژه

함축하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

همچک هادا

۳. ترجمه واژه

در بر داشتن؛ تلویحاً بیان کردن

۴. جمله مثال

그 짧은 문장은 많은 의미를 함축하고 있습니다.

ترجمه جمله: آن جمله کوتاه، معانی بسیاری را در خود دارد.

۱. واژه

지향하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جی هنگ هادا

۳. ترجمه واژه

هدف گیری کردن؛ گرایش داشتن به

۴. جمله مثال

이 정책은 모두가 공존하는 사회를 지향합니다.

ترجمه جمله: این سیاست جامعه‌ای را هدف می‌گیرد که همه در آن همزیستی داشته باشند.

۱. واژه

상충하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

سانگ چونگ هادا

۳. ترجمه واژه

در تضاد بودن

۴. جمله مثال

두 목표가 서로 상충할 때는 우선순위를 정해야 합니다.

ترجمه جمله: وقتی دو هدف با یکدیگر در تضاد هستند، باید اولویت بندی کرد.

۱. واژه

전환하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چُن هوان هادا

۳. ترجمه واژه

تبدیل کردن؛ تغییر مسیر دادن

۴. جمله مثال

회사는 업무 방식을 디지털 중심으로 전환했습니다.

ترجمه جمله: شرکت شیوه کاری خود را به رویکردی دیجیتال محور تبدیل کرد.

صفحه فلش کارت 03

۱. واژه

가속화하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گاسُک‌هواهادا

۳. ترجمه واژه

شتاب بخشیدن؛ تسريع کردن

۴. جمله مثال

기술 발전이 산업의 변화를 가속화하고 있습니다.
ترجمه جمله: پیشرفت فناوری در حال تسريع تغييرات صنعتی است.

۱. واژه

정착되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جُنْگ چَک دُودا

۳. ترجمه واژه

جا افتادن؛ تثبیت شدن

۴. جمله مثال

재택근무가 새로운 근무 형태로 정착되었습니다.
ترجمه جمله: دورکاری به عنوان شکل جدیدی از کار تثبیت شده است.

۱. واژه

수용하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

سُویونگ‌هادا

۳. ترجمه واژه

پذیرفتن؛ در خود جای دادن

۴. جمله مثال

다양한 의견을 수용하는 자세가 필요합니다.
ترجمه جمله: داشتن نگرشی برای پذیرفتن دیدگاه‌های گوناگون لازم است.

۱. واژه

배제하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

به چِه‌هادا

۳. ترجمه واژه

排除 کردن؛ کنار گذاشتن

۴. جمله مثال

편견 없이 누구도 배제하지 않는 사회를 만들어야 합니다.
ترجمه جمله: باید جامعه‌ای بسازیم که بدون پیش‌داوری کسی را 排除 نکند.

صفحه فلش کارت 04

۱. واژه

유발하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

یُوْبال هادا

۳. ترجمه واژه

ایجاد کردن؛ موجب شدن

۴. جمله مثال

수면 부족은 집중력 저하를 유발할 수 있습니다.

ترجمه جمله: کمبود خواب می تواند باعث کاهش تمرکز شود.

۱. واژه

감안하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گام آن هادا

۳. ترجمه واژه

در نظر گرفتن؛ لحاظ کردن

۴. جمله مثال

개인의 상황을 감안해 일정을 조정했습니다.

ترجمه جمله: با در نظر گرفتن شرایط فردی، برنامه را تنظیم کردیم.

۱. واژه

간주하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گان جُو هادا

۳. ترجمه واژه

قلمداد کردن؛ محسوب کردن

۴. جمله مثال

이 자료는 공식적인 근거로 간주하기 어렵습니다.

ترجمه جمله: دشوار است این داده را یک مبنای رسمی تلقی کنیم.

۱. واژه

주목하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جُوْمُک هادا

۳. ترجمه واژه

مورد توجه قرار گرفتن

۴. جمله مثال

이 연구는 학계에서 큰 주목을 받았습니다.

ترجمه جمله: این پژوهش در محافل دانشگاهی بسیار مورد توجه قرار گرفت.

صفحه فلش کارت 05

۱. واژه

척도

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چکدو

۳. ترجمه واژه

مقیاس؛ معیار اندازه‌گیری

۴. جمله مثال

만족도를 평가할 수 있는 객관적인 척도가 필요합니다.

ترجمه جمله: به یک معیار عینی برای ارزیابی رضایت نیاز داریم.

۱. واژه

인정하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

انجنگ‌هادا

۳. ترجمه واژه

پذیرفتن؛ به رسمیت شناختن

۴. جمله مثال

그의 공로를 공식적으로 인정해야 합니다.

ترجمه جمله: باید شایستگی او را رسماً به رسمیت بشناسیم.

۱. واژه

의존하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

ایجون‌هادا

۳. ترجمه واژه

وابسته بودن؛ تکیه کردن

۴. جمله مثال

한 가지 자료에만 의존해서는 안 됩니다.

ترجمه جمله: نباید فقط به یک منبع وابسته بود.

۱. واژه

가능성

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گنئونگ‌سنگ

۳. ترجمه واژه

احتمال؛ امکان

۴. جمله مثال

문제가 발생할 가능성을 미리 검토했습니다.

ترجمه جمله: احتمال بروز مشکل را از پیش بررسی کردیم.

صفحه فلش کارت 06

۱. واژه

지속되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جی سَکدُودا

۳. ترجمه واژه

ادامه یافتن

۴. جمله مثال

이 현상이 장기간 지속될지는 아직 모릅니다.
ترجمه جمله: هنوز نمی‌دانیم این پدیده در بلندمدت ادامه می‌یابد یا نه.

۱. واژه

변동

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

بیئدوَنگ

۳. ترجمه واژه

نوسان؛ تغییر

۴. جمله مثال

환율 변동이 수입 가격에 영향을 미쳤습니다.
ترجمه جمله: نوسان نرخ ارز بر قیمت واردات اثر گذاشت.

۱. واژه

검토하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گوم توهادا

۳. ترجمه واژه

بررسی کردن؛ بازنگری کردن

۴. جمله مثال

계약 내용을 다시 검토한 후 서명했습니다.
ترجمه جمله: پس از بررسی دوباره مفاد قرارداد، آن را امضا کردیم.

۱. واژه

명시하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

میَنگ شی هادا

۳. ترجمه واژه

صریحاً بیان کردن

۴. جمله مثال

규칙에는 책임 범위가 명시되어 있습니다.
ترجمه جمله: در مقررات، دامنه مسئولیت به صراحت بیان شده است.

صفحه فلش کارت 07

۱. واژه

대조하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

دِه جُوها دا

۳. ترجمه واژه

مقایسه کردن؛ مقابله کردن

۴. جمله مثال

두 결과를 대조해 차이점을 확인했습니다.

ترجمه جمله: دو نتیجه را مقایسه کردیم و تفاوت ها را یافتیم.

۱. واژه

파급 효과

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

پاگُپ هیوگوا

۳. ترجمه واژه

اثر سرایتی؛ پیامد گسترده

۴. جمله مثال

작은 결정도 장기적으로 큰 파급 효과를 낼 수 있습니다.

ترجمه جمله: حتی یک تصمیم کوچک می تواند در بلندمدت پیامد گسترده ای داشته باشد.

۱. واژه

해석하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

هِه سَک ها دا

۳. ترجمه واژه

تفسیر کردن؛ تحلیل کردن

۴. جمله مثال

자료를 다양한 관점에서 해석해야 합니다.

ترجمه جمله: باید داده ها را از دیدگاه های گوناگون تفسیر کرد.

۱. واژه

결단력

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گیل دان نیوک

۳. ترجمه واژه

قاطعیت در تصمیم گیری

۴. جمله مثال

어려운 순간에는 결단력이 필요합니다.

ترجمه جمله: در لحظات دشوار به قاطعیت نیاز است.

صفحه فلش کارت 08

۱. واژه

참여하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چام‌یوهادا

۳. ترجمه واژه

مشارکت کردن

۴. جمله مثال

시민들이 정책 결정 과정에 참여해야 합니다.

ترجمه جمله: شهروندان باید در فرایند تصمیم‌گیری سیاستی مشارکت کنند.

۱. واژه

책임지다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چگیم‌جیدا

۳. ترجمه واژه

مسئولیت پذیرفتن

۴. جمله مثال

자신의 선택에 책임지는 태도가 중요합니다.

ترجمه جمله: داشتن نگرشی که مسئولیت انتخاب خود را بپذیرد مهم است.

۱. واژه

적용하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جگ‌ینگ‌هادا

۳. ترجمه واژه

اعمال کردن؛ به کار بستن

۴. جمله مثال

이 원칙을 실제 상황에 적용해 보세요.

ترجمه جمله: این اصل را در یک موقعیت واقعی به کار ببرید.

۱. واژه

체계적

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چه‌گه‌جک

۳. ترجمه واژه

نظام‌مند؛ سیستماتیک

۴. جمله مثال

체계적인 계획 없이는 목표를 달성하기 어렵습니다.

ترجمه جمله: بدون برنامه‌ای نظام‌مند، رسیدن به هدف دشوار است.

صفحه فلش کارت 09

۱. واژه

연관되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

یُن گوان دُودا

۳. ترجمه واژه

مرتبط بودن

۴. جمله مثال

두 사건은 서로 밀접하게 연관되어 있습니다.

ترجمه جمله: این دو رویداد ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند.

۱. واژه

모호하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

مُوهو هادا

۳. ترجمه واژه

مبهم بودن

۴. جمله مثال

지시가 모호하면 실수가 발생하기 쉽습니다.

ترجمه جمله: اگر دستور مبهم باشد، اشتباه به راحتی رخ می دهد.

۱. واژه

정밀하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جُنْگ میل هادا

۳. ترجمه واژه

دقیق و ظریف بودن

۴. جمله مثال

정밀한 측정이 필요한 실험입니다.

ترجمه جمله: این آزمایشی است که به اندازه گیری دقیق نیاز دارد.

۱. واژه

제약

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جِه یِک

۳. ترجمه واژه

محدودیت؛ قید

۴. جمله مثال

예산의 제약 때문에 계획을 수정했습니다.

ترجمه جمله: به دلیل محدودیت بودجه، برنامه را اصلاح کردیم.

صفحه فلش کارت 10

۱. واژه

이점

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

ای جُم

۳. ترجمه واژه

مزیت؛ نقطه قوت

۴. جمله مثال

온라인 학습의 이점은 시간과 장소가 자유롭다는 것입니다.

ترجمه جمله: مزیت یادگیری آنلاین، آزادی زمان و مکان است.

۱. واژه

결함

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گیل هم

۳. ترجمه واژه

نقص؛ عیب

۴. جمله مثال

제품의 결함을 발견하고 즉시 개선했습니다.

ترجمه جمله: نقص محصول را پیدا کردیم و فوراً آن را بهبود دادیم.

۱. واژه

제안하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جه آن هادا

۳. ترجمه واژه

پیشنهاد کردن

۴. جمله مثال

회의에서 현실적인 해결책을 제안했습니다.

ترجمه جمله: در جلسه یک راه حل واقع بینانه پیشنهاد دادم.

۱. واژه

선별하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

سُن بُل هادا

۳. ترجمه واژه

غربال و انتخاب کردن

۴. جمله مثال

신뢰할 수 있는 자료를 선별해야 합니다.

ترجمه جمله: باید منابع قابل اعتماد را انتخاب و غربال کرد.

صفحه فلش کارت 11

۱. واژه

변모하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

بین موها دا

۳. ترجمه واژه

دگرگون شدن

۴. جمله مثال

도시는 짧은 기간에 크게 변모했습니다.
ترجمه جمله: شهر در مدت کوتاهی به طور چشمگیری دگرگون شد.

۱. واژه

보완하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

بو وان ها دا

۳. ترجمه واژه

تکمیل و اصلاح کردن

۴. جمله مثال

부족한 부분을 보완해 보고서를 다시 제출했습니다.
ترجمه جمله: بخش‌های ناقص را اصلاح کردم و گزارش را دوباره تحویل دادم.

۱. واژه

통합하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

تونگ ها پ ها دا

۳. ترجمه واژه

یکپارچه کردن؛ ادغام کردن

۴. جمله مثال

여러 시스템을 하나로 통합하는 작업을 진행 중입니다.
ترجمه جمله: در حال ادغام چند سیستم در یک سیستم واحد هستیم.

۱. واژه

균형

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گیون هیونگ

۳. ترجمه واژه

تعادل

۴. جمله مثال

일과 생활의 균형을 유지하는 것이 중요합니다.
ترجمه جمله: حفظ تعادل میان کار و زندگی مهم است.

صفحه فلش کارت 12

۱. واژه

자율적

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جَیُول جُک

۳. ترجمه واژه

خودمختار؛ مستقل

۴. جمله مثال

학생들이 자율적으로 학습할 수 있는 환경을 마련했습니다.

ترجمه جمله: محیطی فراهم کردیم که دانش آموزان بتوانند مستقل یاد بگیرند.

۱. واژه

탄력성

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

تَل لیوک سُنْگ

۳. ترجمه واژه

انعطاف پذیری؛ کشسانی

۴. جمله مثال

조직의 탄력성이 위기 대응에 도움이 됩니다.

ترجمه جمله: انعطاف پذیری سازمان به واکنش در بحران کمک می کند.

۱. واژه

저항하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جُه هانْگ هادا

۳. ترجمه واژه

مقاومت کردن

۴. جمله مثال

변화에 저항하기보다 장점을 먼저 살펴보세요.

ترجمه جمله: به جای مقاومت در برابر تغییر، ابتدا مزایای آن را بررسی کنید.

۱. واژه

차별화

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چا بیُل هوا

۳. ترجمه واژه

تمایز؛ متمایزسازی

۴. جمله مثال

서비스를 차별화하기 위한 전략이 필요합니다.

ترجمه جمله: برای متمایز کردن خدمات به یک راهبرد نیاز است.

صفحه فلش کارت 13

۱. واژه

혁신적

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

هیک شی نک

۳. ترجمه واژه

نوآورانه

۴. جمله مثال

혁신적인 아이디어가 새로운 시장을 열었습니다.
ترجمه جمله: یک ایده نوآورانه بازار جدیدی گشود.

۱. واژه

측정하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چک جنگ هادا

۳. ترجمه واژه

اندازه گیری و ارزیابی کردن

۴. جمله مثال

정책의 효과를 정기적으로 측정해야 합니다.
ترجمه جمله: باید اثر سیاست را به طور منظم ارزیابی کرد.

۱. واژه

구체적

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گوچه جک

۳. ترجمه واژه

مشخص؛ عینی

۴. جمله مثال

구체적인 목표를 세우면 실천하기 쉽습니다.
ترجمه جمله: اگر هدف مشخصی تعیین کنید، عملی کردن آن آسان تر است.

۱. واژه

추상적

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چوسانگ جک

۳. ترجمه واژه

انتزاعی

۴. جمله مثال

추상적인 개념을 실제 사례로 설명했습니다.
ترجمه جمله: مفهوم انتزاعی را با نمونه ای واقعی توضیح دادم.

صفحه فلش کارت 14

۱. واژه

원활하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

وُنْ هُولْ هادا

۳. ترجمه واژه

روان و بدون مانع بودن

۴. جمله مثال

부서 간 소통이 원활해야 업무가 빨리 진행됩니다.

ترجمه جمله: برای پیشرفت سریع کار، ارتباط میان بخش‌ها باید روان باشد.

۱. واژه

지연되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

جی_یُنْ دُودا

۳. ترجمه واژه

به تأخیر افتادن

۴. جمله مثال

공사 일정이 날씨 때문에 지연되었습니다.

ترجمه جمله: برنامه ساخت‌وساز به دلیل هوا به تأخیر افتاد.

۱. واژه

일관되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

ایل_گوانْ دُودا

۳. ترجمه واژه

سازگار و پیوسته بودن

۴. جمله مثال

주장과 행동이 일관되어야 신뢰를 얻을 수 있습니다.

ترجمه جمله: برای جلب اعتماد، ادعا و رفتار باید هماهنگ باشد.

۱. واژه

귀결되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گُوی_گیِلْ دُودا

۳. ترجمه واژه

منتهی شدن؛ به نتیجه رسیدن

۴. جمله مثال

논의가 합의로 귀결되기를 바랍니다.

ترجمه جمله: امیدوارم گفت‌وگو به توافق منتهی شود.

صفحه فلش کارت 15

۱. واژه

체감하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چه گام هادا

۳. ترجمه واژه

به طور ملموس احساس کردن

۴. جمله مثال

시민들은 물가 상승을 직접 체감하고 있습니다.

ترجمه جمله: شهروندان افزایش قیمت‌ها را به طور مستقیم احساس می‌کنند.

۱. واژه

호환되다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

هووان دودا

۳. ترجمه واژه

سازگار و قابل تطبیق بودن

۴. جمله مثال

새 프로그램은 기존 장비 호환됩니다.

ترجمه جمله: برنامه جدید با تجهیزات موجود سازگار است.

۱. واژه

추론하다

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

چورون هادا

۳. ترجمه واژه

استنتاج کردن

۴. جمله مثال

관찰한 사실을 바탕으로 원인을 추론했습니다.

ترجمه جمله: بر اساس واقعیت‌های مشاهده‌شده، علت را استنتاج کردم.

۱. واژه

객관적

۲. تلفظ فارسی با نشانه گذاری

گک گوان جک

۳. ترجمه واژه

عینی و مستند

۴. جمله مثال

객관적인 자료를 바탕으로 판단해야 합니다.

ترجمه جمله: باید بر اساس داده‌های عینی و مستند قضاوت کرد.